

خلاصه گزارشی تحقیقی افقهای

گزارشگری مالی:

چالشها و فرصتهای گزارشگری پایداری و

داراییهای نامشهود

مرتضی اسدی ✍
 غلامرضا زارعی
 مینا فرنود احمدی



مقدمه

در سال ۲۰۲۴، نهاد حرفه‌ای حسابداران رسمی استرالیا (CPA Australia) گزارش پژوهشی خود با عنوان افق‌های گزارشگری مالی ۱ و ۲ (Horizons of Financial Reporting – Part 1, 2) را منتشر کرد.

هدف از ترجمه گزارشها، آشنا ساختن اعضای فرهیخته و حرفه‌ای جامعه حسابداری کشور با یکی از تازه‌ترین فعالیتها و مطالعات بین‌المللی در حوزه افق‌های نوین گزارشگری مالی، به‌ویژه در ارتباط با گزارشگری اقلیمی (پایداری) و روند تحولات در زمینه دارایی‌های نامشهود است تا گامی مثبت در راستای آگاهی‌بخشی نسبت به تحولات حرفه‌ای در سطح بین‌المللی باشد، با این حال، مطالعه منابع اصلی در درک عمیق‌تر مفاهیم و ارتقای دانش حرفه‌ای مفیدتر خواهد بود.

بدیهی است که موضوعهای مرتبط با گزارشگری اقلیمی، هنوز مفاهیمی نو و در حال توسعه محسوب می‌شوند و بخشی از اصطلاحات آن در فضای حرفه‌ای ما هنوز بومی‌سازی نشده‌اند. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور نیز ممکن است تاکنون تمرکز کافی بر این جنبه از گزارشگری مالی نداشته باشند؛ با این حال، این امر از اهمیت آگاهی و شناخت نسبت به این حوزه نکاسته و به‌زودی شاهد گسترش مباحث آن در فضای مالی، حسابداری و کسب‌وکار خواهیم بود؛ همان‌گونه که فناوریهای نوین در سالهای اخیر تحولات چشم‌گیری در حرفه ایجاد کرده و شناخت و اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود به‌خصوص در شرکت‌های دانش‌بنیان را با چالش جدی روبه‌رو کرده است.

با تغییر تدریجی اولویتها و نگرش جامعه، خواه ناخواه، گزارشگری اقلیمی به یک مطالبه فزاینده تبدیل خواهد شد. افزون بر این، جهت‌گیری قوانین به سمت حمایت از محیط زیست و الزام به شفاف‌سازی آثار مالی فعالیت‌های اقلیمی و تمایل روزافزون به اقتصاد دیجیتال سبب خواهد شد تا این دو موضوع به بخش‌های چالشی و البته جدایی‌ناپذیر گزارشگری مالی تبدیل شوند.

افزایش تقاضای فعالان بازار سرمایه برای اطلاعات دقیق‌تر، شفاف‌تر و کاربردی‌تر، منجر به تحولات مهمی در حوزه گزارشگری مالی شده است (IFAC, 2022). این تغییرها بیشتر در دو حوزه کلیدی شامل گزارشگری پایداری و شناسایی و گزارشگری دارایی‌های نامشهود متمرکز شده‌اند. هدف از این تغییرها، پاسخگویی بهتر به نیازهای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و حفظ جایگاه گزارشگری مالی تنظیم‌شده به‌عنوان معتبرترین منبع اطلاعاتی در بازار است (داورن و همکاران، ۲۰۱۸؛ ۲۰۱۹a).

این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های کیفی نظیر گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌های عمیق با ذینفعان کلیدی شامل حسابداران حرفه‌ای، سرمایه‌گذاران و ناظران بازار، چارچوبی موسوم به «هرم گزارشگری مالی» را مورد تحلیل قرار داده است. این هرم، از سطح شناخت و اندازه‌گیری دقیق اطلاعات مالی تا سطح افشای داوطلبانه آن‌ها گسترده شده و هدف آن حفظ توازن بین مربوطبودن اطلاعات و اعتبار آن است.

بخش اول - دیدگاه تهیه‌کننده

رویکرد تحقیق:

هرم گزارشگری مالی

در این مطالعه، «هرم گزارشگری مالی» به‌عنوان چارچوب اصلی تحلیل انتخاب شده است (داورن و همکاران، ۲۰۱۹).

این هرم نشان‌دهنده سطوح مختلف کیفیت و اعتبار گزارشگری است که از قاعده به‌سمت راس هرم توسعه می‌یابد.

رأس هرم، «شناخت و اندازه‌گیری کامل» طبق استانداردهای

حسابداری بین‌المللی (IFRS) است که به‌عنوان استاندارد

طلایی کیفیت داده‌های اساسی گزارشگری مالی شناخته می‌شود. این سطح به‌دلیل توجه دقیق مدیریت و حسابرس به موارد شناخت و اندازه‌گیری، کیفیت داده‌های رأس هرم را افزایش می‌دهد.

با حرکت به‌سمت بالای هرم، سطوح مختلفی از افشاهای اجباری و داوطلبانه قرار دارند که با افزایش انتخابگری و احتمال تعصب همراهند. در راس هرم، گزارشگری مالی

این موضوع انگیزه‌ای قوی برای توسعه و تقویت این بخش از گزارشگری مالی، در تقابل با افزایش صرف افشای اطلاعات، فراهم می‌آورد.

خلاصه گزارشگری ریسک اقلیم (پایداری)

گزارشگری ریسک اقلیم تاکنون بیشتر بر ردیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای متمرکز بوده است. این گزارشگری از انتشار مستقیم (حوزه ۱) شروع شده و به تدریج به انتشار غیرمستقیم از مصرف انرژی (حوزه ۲) و سایر انتشارهای غیرمستقیم (حوزه ۳) توسعه یافته است. با وجود پیشرفت‌ها در افشای انتشار گازهای گلخانه‌ای، هنوز شتاب لازم در کربن‌زدایی مشاهده نمی‌شود (EY، ۲۰۲۱).

تاثیر تغییرهای اقلیمی فراتر از میزان انتشار کربن است و می‌تواند بر ارزش داراییها، بدهیها، زنجیره تامین و بازارهای هدف شرکتها تاثیرگذار باشد. بنابراین، این ریسکها باید به‌عنوان موارد بااهمیت و قابل افشا در صورتهای مالی شناخته شوند (AASB/AAUSB ۲۰۱۹). اما هنوز در سطح

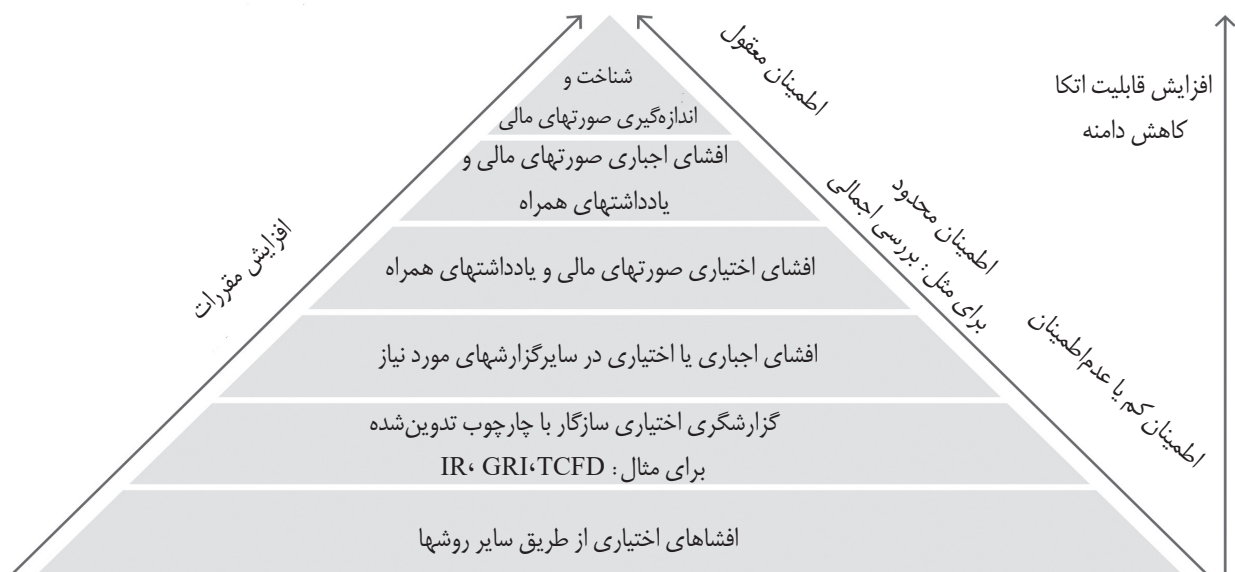
قانونی حسابرسی شده قرار می‌گیرد که براساس پژوهشهای قبلی (داورن و همکاران، ۲۰۱۹a) معتبرترین و قابل‌اتکاترین منبع اطلاعاتی برای فعالان بازار سرمایه است.

این هرم نقش مهم مقررات و اطمینان‌بخشی را در تضمین کیفیت گزارشگری مالی برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که با افزایش مربوط بودن گزارشها، چالشهای حفظ قابلیت اتکا و اعتبار نیز افزایش می‌یابد.

مطالعه بر آن است تا با تحلیل عوامل و موانع انتقال گزارشگری به سطوح بالاتر این هرم، رهنمودهایی برای سیاستگذاران و فعالان بازار فراهم کند که بتوانند همزمان با افزایش مربوط بودن گزارشها، قابلیت اتکای آنها را نیز حفظ کنند.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بهبود کیفیت شناخت و اندازه‌گیری اطلاعات مالی می‌تواند به‌طور چشمگیری کیفیت داده‌های اصلی را افزایش دهد. به عبارت دیگر، تمرکز مدیریت و حساب‌رسان بر بهبود فرایند شناخت و اندازه‌گیری، موجب ارتقای قابلیت اتکا و دقت گزارشگری مالی می‌شود.

شکل ۱. هرم گزارشگری مالی



(برگرفته از مطالعه داورن و همکاران، ۲۰۲۲)

گزارشگری ریسک اقلیم: نگاهی به گذشته

چگونه شرکتها باید به اندازه کافی شفاف باشند تا آثار بااهمیت ریسکهای اقلیمی بر ارزش شرکت را نشان دهند؟ برای مثال، آیا فقط شناسایی کاهش ارزش داراییها کفایت میکند؟ در مورد تاثیر گسترده تر بر زنجیره تامین و بازارهای مشتری چه باید کرد؟ آیا افشاهای مطرح شده در پیش نویسهای IFRS S1 و S2 (۲۰۲۲) از نظر وسعت و اعتبار کافی هستند؟

معیارها و اهداف این پیش نویسها را نمی توان معادل شناخت و اندازه گیری در صورتهای مالی دانست؛ جایی که گزارشگری بر پایه سیستمها و فرایندهای اطمینان بخشی قوی و ساختاریافته است. در اصل، این موضوع به گزارشگری انتظاراتی فعلی درباره پیامدهای آتی تغییرهای اقلیمی بر ارزش شرکت برمی گردد.

این رویکرد آینده نگر، برای برخی نگرانی و تردید ایجاد کرده است؛ چنان که یکی از مشارکت کنندگان می گوید:

«این حرکت بزرگ از حسابداری سنتی که بر اطلاعات تاریخی تکیه داشت، به سمت افشای اطلاعات آینده نگر است؛ اطلاعاتی که هنوز در افشا و گزارش آنها دچار چالش هستیم».

با این حال، گفتن این که حسابداری سنتی فقط گذشته نگر است، اشتباه است. انتظاراتی آینده از دیرباز در گزارشگری مالی بوده اند. همان طور که یک مشارکت کننده اشاره می کند: «ما همواره در ارزش گذاری داراییها و جریانهای نقدی آتی به اطلاعات آینده نگاه کرده ایم. اگرچه کار ساده ای نیست، اما اطلاعات تاریخی به تنهایی کفایت نمی کند».

از دید چارچوب مفهومی، داراییها و بدهیها ماهیتی آینده نگر دارند. دارایی به عنوان حقوق نسبت به منافع اقتصادی آتی تعریف می شود و کلمه «آتی» به آینده اشاره دارد.

از نظر عملی، چالش اصلی در شناخت و اندازه گیری آثار مالی تغییرهای اقلیمی، نیاز به دانش تخصصی در این حوزه و درک عمیق ریسکهای اقلیمی است. یکی از مصاحبه شوندهاگان به این نکته تاکید می کند:

«این حوزه شامل تخصصهای مختلفی است؛ نیازمند استخدام افرادی با دانش تخصصی است».

عدم قطعیت در اندازه گیری به ویژه ناشی از ابهام در سیاستها

شناخت و اندازه گیری دقیق این ریسکها در صورتهای مالی، فاصله زیادی وجود دارد و درک کامل موضوع برای مدیران و هیئت مدیره ها فراهم نشده است.

برای ارتقای کیفیت گزارشگری ریسک اقلیم، نیاز به اطمینان بخشی دقیق تر نسبت به داده های پایه کربن وجود دارد که فراتر از حوزه حسابداری و حسابرسی است و همکاری متخصصان مختلف را می طلبد. اطمینان بخشی نسبت به داده های کربن، فرایندی پیچیده و زمان بر است؛ اما ضروری است تا از گزارشگریهای داوطلبانه فراتر رفته و به سطح اطمینان قابل قبول و استاندارد برسیم. (EY ۲۰۲۱) گزارشگری داوطلبانه به دلیل نبود الزامهای قانونی، یکنواختی و مقایسه پذیری لازم را ندارد و نمی تواند پاسخگوی نیاز بازار باشد.

مشارکت کنندگان بر این باورند که برای رسیدن به سازگاری در گزارشگری ریسک اقلیمی، الزامهای قانونی ضروری است؛ زیرا سیستمهای مالی و حسابرسی قوی فعلی به دلیل وجود مقررات و استانداردها به نتایج قابل اتکا می رسند، اما در حوزه اقلیمی هنوز چنین زیرساختهایی شکل نگرفته است.

تمایز بین گزارشگری مالی و غیرمالی در زمینه پایداری و ریسک اقلیم، برای سرمایه گذاران تا حدی نادرست است؛ زیرا آنها انتظار دارند ریسک اقلیمی در نهایت به صورت پیامدهای مالی آشکار شود. هرچند عدم قطعیت در اندازه گیری این ریسکها وجود دارد، اما این موضوع مانع گزارشگری و اطمینان بخشی نیست.

در مسیر بهبود گزارشگری ریسک اقلیم، تاکید زیادی بر «سناریوپردازی ساختاریافته»، قضاوت و تفسیر داده ها شده است. هدف، گزارش بیشتر یا اضافی نیست، بلکه گزارش بهتر و معنادارتر درباره موارد بااهمیت، است. مفهوم «اهمیت» باید به گونه ای عملیاتی شود که ضمن حفظ شفافیت، اطلاعات محرمانه شرکتها نیز محافظت شود.

این تعادل میان اهمیت، شفافیت و هزینه های احتمالی افشاگری، چالشی جدی در حوزه گزارشگری ریسک اقلیمی است که باید توسط واحدهای مسئول مدیریت اطلاعات به دقت تنظیم شود تا ارزش و سودمندی اطلاعات برای سرمایه گذاران حفظ شود.

و مقررات آتی دولتها و نهادهای تنظیم‌کننده است که بر کسب‌وکارها و الگوهای مصرف تاثیرگذار است:

”مبهم‌ترین بخش در مورد اقدامهای دولت و مقررات دولتی است.“

به‌عنوان مثال، مقررات محدودکننده انتشار کربن، ممکن است باعث کاهش ارزش داراییهای تولیدی شود. این عدم قطعیت نه فقط در جهت کاهش، بلکه ممکن است در جهت افزایش هم باشد. همچنین، سرمایه‌گذاری در فناوریهای کاهش کربن به زمان‌بندی و ماهیت مقررات وابسته است. استرالیا نمونه‌ای از تغییرهای چشمگیر در سیاستهای اقلیمی طی ۱۰ تا ۱۵ سال اخیر بوده است.

مدل‌سازی سناریوی ریسک اقلیمی

کارگروه ویژه افشای اطلاعات اقلیمی (TCFD) مدل‌سازی سناریو را به عنوان ابزاری موثر برای گزارشگری پیامدهای احتمالی تغییرهای اقلیمی توصیه می‌کند. این روش امکان می‌دهد که با استفاده از سناریوهای آینده‌نگر، آثار احتمالی تغییرهای اقلیمی به سرمایه‌گذاران منتقل شود.

با این حال، این روش هنوز در مراحل اولیه و فاقد مقررات و تضمینهای لازم برای اعتبار کامل برآوردهای مالی ناشی از ریسک اقلیمی است. همان‌طور که یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

”من اغلب در اتاق هیئت‌مدیره توضیح می‌دهم که چگونه تغییرهای اقلیمی بسته به موقعیت داراییها می‌تواند تاثیرگذار باشد، به‌خصوص برای عملیتهای ساحلی مانند بندار. شناسایی این موارد به تلاش زیادی نیاز دارد و مدل‌سازی سناریو در بسیاری از شرکتها به‌خوبی انجام نشده است.“

ما در نقطه عطفی هستیم که واحدهای تجاری شروع به استفاده از مدل‌سازی سناریو برای اطلاع‌رسانی در شناخت و اندازه‌گیری می‌کنند. همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان گفته است:

”آن‌ها باید به نقطه‌ای برسند که بدانند باید چه نوع سناریویی را مدل‌سازی کنند و افرادی با تخصص لازم را استخدام کنند تا بتوانند تاثیر بر ارزش داراییها را به‌درستی تحلیل کنند.“

حرکت به سمت تحلیل سناریو برای شناخت و اندازه‌گیری آثار مالی ریسک اقلیمی، یک تغییر ضروری است. دو موضوع

کلیدی در این مسیر باید درک شود:

(الف) چالش‌های مدل‌سازی و

(ب) تغییر تمرکز از اندازه‌گیری هزینه به اندازه‌گیری ارزش.

نگاهی به وضعیت گذشته و مسیر آینده

با افزایش فشارها برای شفاف‌سازی آثار ریسکهای اقلیمی بر ارزش بنگاه‌ها، این پرسش مطرح است که آیا ابزار سنتی حسابداری مانند کاهش ارزش داراییها کفایت می‌کنند، یا باید رویکردهای افشایی گسترده‌تری، به‌ویژه در رابطه با زنجیره تامین و بازارهای مصرف، اتخاذ شوند. پیش‌نویسهای استانداردهای بین‌المللی IFRS S1, S2 (۲۰۲۲) به‌دنبال ارائه چنین چارچوبهایی هستند، اما اعتبار اطلاعات ارائه‌شده در این افشاها، به‌دلیل عدم بر خورداری از ساختارهای کنترل و اطمینان مالی سنتی، همچنان محل بحث است.

ماهیت آینده‌نگر داراییها و بدهیها

اگرچه برخی بر این باورند که حرکت به سمت افشای اطلاعات آینده‌نگر یک تغییر بنیادین نسبت به حسابداری سنتی است، چارچوب مفهومی IFRS نشان می‌دهد که داراییها و بدهیها همواره مبتنی بر انتظارات آینده بوده‌اند. بنابراین، رویکردهای افشای آینده‌نگر در زمینه اقلیمی، در تعارض با اصول بنیادی حسابداری نیستند، بلکه نیازمند ابزار و دانش جدیدی است.

نیاز به تخصص جدید و شناخت چالشهای اندازه‌گیری

شناخت و اندازه‌گیری آثار مالی تغییرهای اقلیمی، نیازمند تخصصی فراتر از دانش مالی سنتی است. مدل‌سازی آثار اقلیمی بر داراییها نیاز به درک عمیق علمی، اقتصادی و مقرراتی دارد. تغییر سیاستهای دولتی، به‌ویژه در حوزه محدودیتهای انتشار کربن، موجب ایجاد عدم قطعیت‌های صعودی و نزولی در ارزش داراییها می‌شود.

مدل‌سازی سناریو: ابزار حیاتی اما در حال توسعه

کارگروه ویژه افشای اطلاعات اقلیمی (TCFD) مدل‌سازی سناریو را به‌عنوان ابزار کلیدی افشای پیامدهای آتی ریسک

مدیریت و افشای عدم قطعیت اندازه‌گیری

راهکارهای موجود برای مدیریت عدم قطعیت شامل ارائه چند سناریو (بهترین، بدترین و محتمل‌ترین) است. تاکید بر شناخت و اندازه‌گیری واقعی به جای افشای صرف، به افزایش اعتبار گزارشگری مالی کمک خواهد کرد. تجربه گزارشگری داراییهای نامشهود نیز می‌تواند در مدیریت این عدم قطعیتها راهگشا باشد.

داراییهای نامشهود: چالش شناخت، اندازه‌گیری و گزارشگری

اهمیت فزاینده داراییهای نامشهود در اقتصاد مبتنی بر دانش

با گسترش شرکتهایی که فعالیت‌شان بر خدمات و دانش استوار است، بخش قابل توجهی از ارزش اقتصادی آنها به داراییهای نامشهودی تعلق می‌گیرد که در داخل واحد تجاری تولید می‌شوند. با این حال، براساس استانداردهای حسابداری IFRS، این داراییها اغلب در صورتهای مالی شناسایی نمی‌شوند و همین امر موجب افزایش فاصله بین ارزش دفتری و ارزش بازار شده است.

شناخت در برابر افشا: اولویت با اندازه‌گیری قابل اتکا

اگرچه برخی معتقدند که در غیاب قابلیت اندازه‌گیری اتکاپذیر باید از افشا استفاده کرد، مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند که افشا، جایگزینی ضعیف برای شناخت و اندازه‌گیری است. به همین دلیل، تاکید آنها بر توسعه روشهایی برای شناخت داراییهای نامشهود در صورتهای مالی رسمی است؛ به‌ویژه در صورت وجود شواهدی از ارزش اقتصادی قابل اتکا.

تحصیل در برابر تولید داخل واحد تجاری: آیا تفاوتی

وجود دارد؟

در حال حاضر، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) میان داراییهای نامشهود تحصیل شده (مانند برندها یا حق اختراع در جریان ترکیب تجاری) و داراییهای تولید داخل واحد تجاری، تفاوت قایل است. استدلال این است که داراییهای تحصیل شده از طریق معاملات بازار قابل اتکا اندازه‌گیری می‌شوند. با این حال، مشارکت‌کنندگان این تمایز را زیر سوال بردند. آنها بر این باورند که فرایند تولید

این تعادل میان اهمیت

شفافیت و هزینه‌های

احتمالی افشاگری

چالشی جدی در حوزه

گزارشگری ریسک اقلیمی است

اقلیمی پیشنهاد کرده است. با این حال، استفاده از این مدلها هنوز در مراحل ابتدایی بوده و نیازمند تقویت اعتبار، انسجام و توان پیش‌بینی است. بسیاری از شرکتهای هنوز فاقد سناریوهای بومی‌سازی شده برای ارزیابی دقیق ریسک اقلیمی هستند.

سه مرحله مدل‌سازی و تفاوت‌های آنها

مدل‌سازی سناریویی شامل سه دسته مدل است:

- ۱- مدل علمی تغییرات اقلیمی.
 - ۲- مدل تاثیرات مالی تغییرات اقلیمی برآورد شده در مدل مرحله (۱).
 - ۳- مدل اثربخشی مالی پاسخ به آثار مورد انتظار.
- در حالی که مراحل اول و دوم قابلیت اعتماد بالاتری دارند و باید مبنای گزارشگری مالی قرار گیرند، مدل‌های مرحله سوم بیشتر در قالب افشای داوطلبانه قابل استفاده هستند.

حرکت از اندازه‌گیری بهای تمام شده به ارزش:

فرصت و چالش

حرکت از اندازه‌گیری مبتنی بر بهای تمام شده به ارزش، به‌ویژه برای داراییهای در معرض خطرهای اقلیمی مانند بنادر یا زیرساختهای ساحلی، یک تحول بزرگ است. اما این تحول با چالشهای بزرگی در زمینه عدم قطعیت اندازه‌گیری همراه است. سوال کلیدی این است که چگونه می‌توان اطلاعاتی با محتوای مالی بالا فراهم کرد در حالی که عدم قطعیتها اجتناب‌ناپذیرند.

کارگروه ویژه

افشای اطلاعات اقلیمی

مدل سازی سناریو را به عنوان

ابزاری موثر برای

گزارشگری

پیامدهای احتمالی

تغییرهای اقلیمی

توصیه می کند

داخلی داراییها نیز مستلزم استفاده از منابعی است که از طریق معاملات بازاری (مانند استخدام کارکنان یا خرید خدمات مشاوران) تامین شده‌اند. از این رو، هزینه‌های مرتبط با این منابع قابل اندازه‌گیری است، هر چند تفکیک آن‌ها ممکن است دشوار باشد.

اندازه‌گیری چالش اصلی است، نه شناخت

نظرات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که مانع اصلی برای ورود داراییهای نامشهود تولید داخل واحد تجاری به ترازنامه، چالش در اندازه‌گیری است، به‌ویژه با توجه به الزامهای بند ۲۱(b) استاندارد ۱۳۸ AASB برای قابلیت اتکای اندازه‌گیری. مشکل اصلی تفکیک هزینه‌های توسعه از هزینه‌های جاری عملیاتی است که مانع از شناسایی دارایی می‌شود. نتیجه این محدودیت، ثبت هزینه‌های مرتبط با این اقلام مستقیماً در صورت سودوزیان است، که به‌گفته یکی از شرکت‌کنندگان، موجب کاهش اعتبار صورتهای مالی می‌شود.

نتیجه‌گیری و راه آینده

در نتیجه، نیاز روزافزونی برای بازنگری در رویکرد حسابداری داراییهای نامشهود وجود دارد. تغییر تمرکز از صرف تعیین بهای تمام‌شده داراییهای نامشهود به شناسایی و گزارش ارزش اقتصادی واقعی داراییهای نامشهود می‌تواند موجب شفافیت بیشتر، کاهش فاصله ارزش دفتری و بازار، و افزایش اعتبار گزارشگری مالی شود.

خلاصه تحلیلی: شناخت و اندازه‌گیری داراییهای

نامشهود - به سوی آینده

با وجود تمایل گسترده نسبت به بهبود گزارشگری داراییهای نامشهود ایجادشده در داخل واحد تجاری، این تحول هنوز به شکل جدی در چارچوب استانداردهای حسابداری اتفاق نیفتاده است. یکی از موانع اصلی، عدم آمادگی فضای جهانی برای پذیرش این تغییرها عنوان شده است. در عین حال، برخی معتقدند که **افشای داوطلبانه** می‌تواند راهی برای حرکت تدریجی به سوی بهبود گزارشگری باشد. اما شواهد نشان می‌دهد که بدون وجود شناخت و اندازه‌گیری، انگیزه‌ای برای افشا نیز به وجود نمی‌آید؛

زیرا عدم حضور دارایی در ترازنامه، تصور نبودن اطلاعات قابل افشا را تقویت می‌کند.

عدم قطعیت در اندازه‌گیری: چالش اصلی آینده

شبهت قابل توجهی میان گزارشگری پایداری و داراییهای نامشهود وجود دارد و هر دو با چالش «عدم قطعیت در اندازه‌گیری» روبه‌رو هستند. پیشنهادهایی مانند گزارشگری در قالب لایه‌های شفاف (اعداد سخت، نرم و نرم‌تر) و یا افشای بازه‌های اطمینان به‌جای برآورد نقطه‌ای، با وجود نیت مثبت، ممکن است در عمل موجب پیچیدگی و ابهام در تفسیر اطلاعات شوند. به‌جای آن، پیشنهاد شده است که **شفاف‌سازی منابع عدم قطعیت در یادداشتهای مالی** می‌تواند موثرتر باشد و به کاربران در درک بهتر اقلام گزارش شده کمک کند.

در این چارچوب، تاکید شده است که عدم قطعیت در اندازه‌گیری نباید مانعی برای شناخت اقلام در گزارشگری باشد. بلکه سازمانها باید با افشای منابع این عدم قطعیت، امکان تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر را برای استفاده‌کنندگان فراهم کنند.

صورت وجود افشای شفاف درباره منابع و درجه عدم قطعیت، امکان حرکت به سوی سطوح بالاتر هرم گزارشگری (شناخت و اندازه‌گیری) وجود دارد. با این حال، نیاز به درک بهتر از چگونگی استفاده از تجمیع اطلاعات و حفظ اطمینان بخشی به عنوان یک عنصر کلیدی در این مسیر، بسیار پررنگ است. این مطالعه بر اهمیت حفظ توازن بین افزایش مربوط بودن گزارشگری مالی و حفظ اعتبار و قابلیت اتکای آن به ویژه، نقش اصول محوری در مقابل قواعد سخت‌گیرانه به عنوان راهکاری برای فراهم آوردن فضای قضاوت، تاکید دارد.

افقهای گزارشگری مالی: تمرکز بر شناخت و اندازه‌گیری-بخش دوم

این گزارش، دومین بخش از مجموعه گزارشهای «افقهای گزارشگری مالی» است که با هدف شناسایی فرصتهایی برای تبیین بهتر دامنه گزارشگری مالی تهیه شده است. این مجموعه از مباحث جاری درباره میزان «رابطه‌مندی» گزارشهای مالی با نیازهای اطلاعاتی در حال تحول سرمایه‌گذاران در محیط پیچیده کسب‌وکار امروزی نشأت گرفته است (داورن و همکاران، ۲۰۲۲).

با توجه به این‌که نیازهای استفاده‌کنندگان از گزارشهای مالی به سرعت در حال تغییر است، این گزارش تلاش می‌کند رهنمودهایی برای ارائه گزارشگری مالی آینده‌نگر و با مقاصد عمومی فراهم آورد. هدف اصلی، توسعه دامنه گزارشگری مالی نیست، بلکه کمک به بازتعریف نقش آن به عنوان یک ابزار ارتباطی موثر برای انتقال اطلاعات عملکردی واحد تجاری به استفاده‌کنندگان است.

برخلاف گزارش اول که بر دیدگاه‌های تهیه‌کنندگان تمرکز داشت، این گزارش دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران را مورد بررسی قرار می‌دهد. به ویژه، نقش «عدم قطعیت اندازه‌گیری» در تصمیم‌گیری درباره شناخت و اندازه‌گیری اقلام در صورت‌های مالی با مقاصد عمومی بررسی می‌شود. همان‌طور که در گزارش اول نیز عنوان شد، شناخت و اندازه‌گیری در راس هرم گزارشگری مالی قرار دارند (داورن و همکاران، ۲۰۲۲) و عدم قطعیت در اندازه‌گیری، یکی از چالش‌های اساسی در این مسیر به شمار می‌رود.

ملاحظات مربوط به افشا و رقابت‌پذیری

یکی از نگرانیهای مهم در مسیر شناخت و افشای داراییهای نامشهود، هزینه‌های مالکیتی (Proprietary Costs) است. افشای اطلاعات حساس ممکن است برای رقابت‌پذیری شرکتها مضر باشد. استفاده از گزارشگری تجمیعی به عنوان راهکاری برای کاهش این هزینه‌ها پیشنهاد شده، ولی هنوز به بررسیهای بیشتری نیاز دارد تا سطح بهینه تجمیع مشخص شود؛ سطحی که ضمن حفظ معنا، از افشای بیش از حد جلوگیری کند.

پیامدهای کمی‌سازی و احتیاطهای مفهومی

این بحث به حوزه‌ای موسوم به جامعه‌شناسی کمی‌سازی مرتبط می‌شود که به تاثیر مفاهیم عددی بر درک ما از خود و دنیای اطراف می‌پردازد. در این راستا، دو هشدار مهم مطرح شده است:

۱- برداشتهای ذهنی از هزینه‌های مالکیتی نباید به تنهایی مانع از افشای اطلاعات شوند.

۲- معیارهای خلاصه‌ای مانند سود و کل داراییها، به دلیل ناهمگنی ذاتی در اقلام زیرمجموعه، نمی‌توانند نماینده دقیقی از وضعیت کلی شرکت باشند.

آینده گزارشگری: بدهیهای نامشهود و نقش

حسابرسان

اگر نسبت به عدم قطعیت اندازه‌گیری بردباری بیشتری داشته باشیم، مفاهیم جدیدی وارد گزارشگری خواهند شد؛ از جمله، شناسایی بدهیهای نامشهود مرتبط با تغییرها اقلیمی. از آنجاکه وجود چنین ریسکهایی اثبات شده است، عدم‌شناسایی آنها تنها به دلیل نبود برآورد دقیق، منطقی نخواهد بود. مسئولیت اصلی در این زمینه، نحوه گزارش این اقلام و انتقال درجه عدم قطعیت آنها به استفاده‌کنندگان است. از سوی دیگر، حسابرسان باید سطحی از اطمینان معقول نسبت به این برآوردها ایجاد کنند و سرمایه‌گذاران نیز باید به تدریج با درجه بالاتری از عدم قطعیت احساس راحتی کنند.

جمع‌بندی بخش اول

گزارشگری داراییهای نامشهود و ریسکهایی پایداری نباید به دلیل عدم قطعیت در اندازه‌گیری نادیده گرفته شوند. در

پیشروی به سوی شناخت و اندازه‌گیری در گزارشگری مالی

تمرکز بر داراییهای نامشهود و پایداری در چارچوب هرم گزارشگری مالی

همان‌طور که در بخش اول این مجموعه گزارشها مطرح شد، در صورت ثابت‌بودن سایر شرایط، گزارش قابل‌اتکاتر از یک قلم، منجر به ارائه اطلاعاتی مفیدتر و پرمحتواتر در مورد آن قلم خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، هرچه گزارش یک قلم به راس هرم گزارشگری مالی نزدیک‌تر شود، از قابلیت اتکای بیشتری برخوردار خواهد بود. با این حال، حرکت به سمت راس هرم، محدودیتهایی در دامنه ارقام گزارش شده ایجاد می‌کند که ممکن است منجر به کاهش محتوای کلی گزارشهای مالی شود. این موضوع نوعی تنش بین سودمندی اطلاعات حاصل از شناخت و اندازه‌گیری و دامنه شمول ارقام گزارش شده ایجاد می‌کند. به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند داراییهای نامشهود و گزارشگری پایداری، که با سطح بالایی از عدم قطعیت اندازه‌گیری مواجه هستند، هدف این گزارش بررسی ظرفیتهای و چالشهای پیش‌روی حرکت به سمت راس هرم است.

روش تحقیق و داده‌ها

برای پاسخ به پرسش اصلی این مطالعه، مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته با گروهی متنوع از سرمایه‌گذاران انجام شد. این مصاحبه‌ها، طیف گسترده‌ای از موضوعها مرتبط با نقش صورتهای مالی با مقاصد عمومی را در تصمیم‌گیریهای سرمایه‌گذاران پوشش داده است؛ از جمله قابلیت اتکا، آگاهی‌بخشی، و چگونگی برآورد و افشای عدم قطعیت اندازه‌گیری در حوزه‌هایی مانند داراییهای نامشهود و گزارشگری مرتبط با پایداری.

مصاحبه‌شوندگان شامل گروه‌های زیر بودند:

- سرمایه‌گذاران خرد حرفه‌ای،
- مدیران سرمایه‌گذاری در شرکتهای خصوصی،
- کارگزاریهای مدیریت سرمایه،
- صندوقهای بزرگ مدیریت دارایی، و
- معامله‌گران الگوریتمی یا کمی با افق زمانی کوتاه‌مدت.

با این حال، باید توجه داشت که این عدم قطعیت به‌الزام مانعی برای شناخت نیست. سیاست‌گذاران به‌جای تمرکز صرف بر ارائه دستور عملهای فنی برای اندازه‌گیری، باید به دنبال افزایش شفافیت در مورد عواملی باشند که منجر به شکل‌گیری این عدم قطعیت می‌شوند. افشای مناسب در یادداشتهای همراه صورتهای مالی می‌تواند به استفاده‌کنندگان کمک کند تا میزان عدم قطعیت هر قلم را ارزیابی و آن را در تحلیلهای خود لحاظ کنند. گزارشگری مالی همواره نیازمند اعمال قضاوت حرفه‌ای است و خواهد بود (داورن و همکاران، ۲۰۲۲).

مطابق با مطالعات پیشین (داورن و همکاران، ۲۰۱۸a و ۲۰۱۹b) و به‌رغم انتقادهای وارد شده، گزارشگری مالی همچنان نقش مهمی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران ایفا می‌کند. در این گزارش، تمرکز ویژه‌ای بر داراییهای نامشهود و مسایل پایداری شده است، دو حوزه‌ای که به دلیل سطح بالای عدم قطعیت در اندازه‌گیری، اغلب در صورتهای مالی به‌درستی منعکس نمی‌شوند.

هرم گزارشگری مالی: چارچوبی برای ارزیابی کیفیت اطلاعات

در گزارش اول، هرم گزارشگری مالی به‌عنوان چارچوبی برای ارزیابی کیفیت اطلاعات ارائه شده معرفی شد. این هرم از افشای داوطلبانه در پایین‌ترین سطح آغاز می‌شود و تا شناخت و اندازه‌گیری مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در راس ادامه می‌یابد.

استدلال ما این است که فاصله گرفتن از راس هرم اغلب ناشی از چالشهای ناشی از عدم قطعیت اندازه‌گیری است. هنگامی که معیارهای شناخت به دلیل عدم اطمینان در ارزش‌گذاری پدیده‌های زیرساختی تامین نمی‌شوند، اطلاعات به‌طور معمول در قالب افشا در یادداشتهای همراه ارائه می‌شوند.

در این گزارش، از منظر سرمایه‌گذاران به این سوال می‌پردازیم که فرصتها و چالشهای توسعه شناخت و اندازه‌گیری برای اقلامی که در حال حاضر به دلیل عدم قطعیت اندازه‌گیری در استانداردهای بین‌المللی شناسایی نمی‌شوند، چیست؟ هدف، پیشبرد گزارشگری مالی به سمت سطوح بالاتر هرم با وجود عدم قطعیتها است.

دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران ارائه شده و هدف از آن، کمک به طراحی رهنمودهای آتی سیاست‌گذاری در راستای ارتقای سطح شناخت و اندازه‌گیری اقلامی است که در حال حاضر به دلیل عدم قطعیت اندازه‌گیری از شناسایی در صورتهای مالی بازمانده‌اند. ما بر این باوریم که با فراهم آوردن شفافیت بیشتر درباره این اقلام و استفاده از ابزاری مانند افشاهای تکمیلی، می‌توان راه را برای ارتقا کیفیت و سودمندی گزارشهای مالی در آینده هموارتر کرد.

دیدگاه سرمایه‌گذاران درباره داراییهای نامشهود

هدف اصلی مصاحبه‌ها، بررسی دیدگاه سرمایه‌گذاران درباره موضوع شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود بود. این بررسی شامل جست‌وجوی نظرها درباره مسایل مفهومی و عملیاتی در خصوص نحوه گزارشگری این نوع داراییها در صورتهای مالی بود. به طور کلی، سرمایه‌گذاران دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص مطلوبیت ارائه اطلاعات مرتبط با داراییهای نامشهود و شیوه ارائه آن‌ها ابراز داشتند.

یکی از محورهای اصلی این بحث، مربوط به ترجیح بین شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود در صورتهای مالی، در مقابل ارائه و افشا در یادداشتهای توضیحی بود؛ به‌ویژه در رابطه با داراییهای نامشهودی که در داخل واحد تجاری ایجاد می‌شوند. این داراییها، به جز موارد استثنایی همچون هزینه‌های توسعه، به طور معمول در ترازنامه شناسایی نمی‌شوند؛ چراکه بهای تمام‌شده آن‌ها به صورت قابل‌اتکایی، قابل اندازه‌گیری نبوده و حاصل معامله‌ای قابل مشاهده نیستند. مطابق بند ۵۱ استاندارد ۱۳۸ AASB، تشخیص این‌که آیا یک دارایی نامشهود داخلی شرایط لازم برای شناسایی را دارد، از دو جهت دشوار است:

- شناسایی وجود و زمان ایجاد داراییهای که منافع اقتصادی آتی به دنبال دارد، و
 - تعیین بهای تمام‌شده آن به صورت قابل‌اتکا.
- با این حال، چارچوب مفهومی گزارشگری مالی تاکید دارد که استفاده از برآوردهای معقول، بخشی ضروری از تهیه اطلاعات مالی است و حتی سطوح بالای عدم قطعیت اندازه‌گیری نیز به‌الزام مانع ارائه اطلاعات سودمند نمی‌شود؛ به شرط آن‌که

تمام مصاحبه‌ها در نیمه نخست سال ۲۰۲۳ به صورت برخط (از طریق Zoom) برگزار، ضبط و به‌طور حرفه‌ای رونویسی شد. در مجموع، داده‌هایی با حجم بیش از ۴۰,۰۰۰ کلمه (معادل ۷۹ صفحه) برای تحلیل کیفی گردآوری شد.

فرایند انتخاب مصاحبه‌شوندگان به صورت هدفمند و با هدف ایجاد تنوع در ترکیب سرمایه‌گذاران انجام شد. این امر به ما اجازه داد تا تفاوت‌های موجود میان نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران خرد و حرفه‌ای را به روشنی مشاهده کنیم. اگرچه در ادبیات مالی از اصطلاح "سرمایه‌گذار" به طور کلی برای اشاره به استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی استفاده می‌شود، اما تفاوت‌های قابل توجهی میان این دو گروه از نظر اهداف، سبک سرمایه‌گذاری، و افق زمانی وجود دارد (چنهال و جوجاو، ۱۹۷۷). این تفاوتها به عنوان بخشی از تحلیل حاضر مورد بررسی و برجسته‌سازی قرار گرفته‌اند.

حوزه‌های تمرکز: پایداری و داراییهای نامشهود

در بخشهای بعدی، تحلیل داده‌ها حول دو محور کلیدی سازماندهی شده است:

۱- گزارشگری مالی مرتبط با پایداری (به‌ویژه ریسکهای مرتبط با تغییر اقلیمی)

۲- داراییهای نامشهود

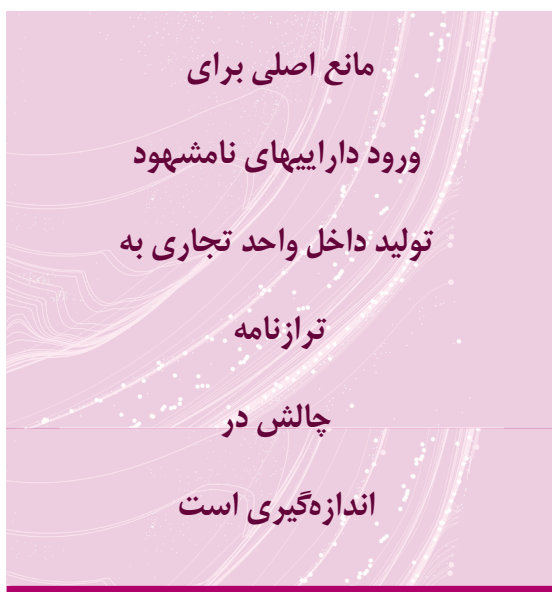
دو دلیل اصلی برای تمرکز بر این حوزه‌ها عبارت‌اند از:

- هر دو حوزه در حال حاضر در دستور کار نهادهای تدوین‌کننده استاندارد در سطح ملی و بین‌المللی قرار دارند.
- این دو موضوع، به واسطه ماهیت پیچیده و عدم قطعیت‌های ذاتی در اندازه‌گیری، چالش‌هایی جدی برای مرزهای فعلی گزارشگری مالی ایجاد کرده‌اند (بارث، ۲۰۲۲).

علاوه بر این، پیوندهای مفهومی میان این دو حوزه و تاکید نهادهای استانداردگذار مانند گروه مشاوره مالی اروپا (EFRAG) بر لزوم بررسی تعامل میان گزارشگری مالی و پایداری، اهمیت بررسی مشترک این دو بعد را برجسته می‌کند. (EFRAG، 2023)

جمع‌بندی و مسیر پیش‌رو

یافته‌های این تحقیق به صورت یکپارچه و در قالب



• لزوم استانداردسازی برای پوشش تفاوتها بین صنایع:

اگرچه اهمیت داراییهای نامشهود در صنایع مختلف متفاوت است (برای مثال، برند در صنعت مصرفی و تحقیق و توسعه در داروسازی)، این تفاوتها توجیهی برای عدم گزارش آنها نیست، بلکه به استانداردهایی با دامنه مناسب نیاز است.

• نقش کلیدی شفافیت و افشای فرضها:

سرمایه‌گذاران تمایل داشتند فرضهای پشتوانه گزارشهای مالی و روشهای ارزش‌گذاری شفاف باشد و حتی توسط شخص ثالث تایید شود.

نتیجه‌گیری تحلیلی

سرمایه‌گذاران دیدگاه‌های گوناگونی درباره نحوه و دامنه گزارشگری داراییهای نامشهود داشتند. برخی بر افشای کیفی و شفاف در یادداشتهای تاکید داشتند، در حالی که گروهی دیگر بر لزوم ارائه عددی و شناسایی در ترازنامه پافشاری می‌کردند. در نهایت، به نظر می‌رسد که ترکیبی از این دو رویکرد — یعنی ارائه و افشای کیفی همراه با شفافیت در مفروضات اندازه‌گیری — می‌تواند اعتماد و قابلیت استفاده از اطلاعات مالی را برای سرمایه‌گذاران افزایش دهد.

این برآوردها با شفافیت و دقت صورت گیرند (بند ۱۹، ۵۰). با وجود این چارچوب، استانداردهایی مانند AASB ۱۳۸ به‌طور صریح به‌نحوه گزارش داراییهای نامشهود شناسایی نشده و چگونگی افشای داوطلبانه آنها نپرداخته‌اند (داورن و همکاران، ۲۰۲۱).

چالشهای فراتر از چارچوب فعلی در گزارشگری داراییهای نامشهود

براساس داده‌های مصاحبه، سرمایه‌گذاران چالشهای متعددی را درباره شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود مطرح کردند، از جمله:

۱- ارزیابی گسترده‌تر فراتر از صورتهای مالی:

یکی از سرمایه‌گذاران اشاره کرد که برای درک بهتر چشم‌انداز یک کسب‌وکار، فقط تکیه بر صورتهای مالی کافی نیست و نیاز به تحلیل مقایسه‌ای و گفت‌وگو با شرکت و رقبا وجود دارد.

۲- ماهیت خاص برخی واحدهای تجاری:

یک سرمایه‌گذار تاکید کرد که در بسیاری از کسب‌وکارها، ارزش دفتری داراییهای نامشهود تاثیر مستقیم و معناداری بر تصمیمهای سرمایه‌گذاری ندارد.

۳- تمرکز بر افشا به جای اندازه‌گیری عددی:

دیدگاهی نیز مطرح شد مبنی بر این که ارزش‌گذاری برخی داراییهای نامشهود، بیشتر به درک کیفی نیاز دارد تا کمی‌سازی، و از این رو افشا در یادداشتهای توضیحی اولویت دارد.

۴- ملاحظات مربوط به افشای اطلاعات حساس

تجاری:

برخی شرکتها تمایلی به افشای جزئیات مربوط به فرصتهای تجاری خود ندارند؛ چراکه ممکن است به رقبا اطلاعات حیاتی منتقل شود.

استدلالاتها برای بهبود گزارشگری داراییهای نامشهود

برخی سرمایه‌گذاران معتقد بودند که می‌توان بسیاری از چالشها را با ارائه چارچوبی مناسب و اطلاعات تکمیلی برطرف کرد:

• نقش مکمل صورتهای مالی در مقایسه و تایید:

گسترش شناخت و اندازه‌گیری می‌تواند به‌عنوان نقطه مرجعی برای برآوردهای نسبی سرمایه‌گذاران و تایید اعتبار اطلاعات مدیریت عمل کند.

دیدگاه سرمایه‌گذاران درباره داراییهای نامشهود

هدف اصلی مصاحبه‌ها بررسی دیدگاه سرمایه‌گذاران نسبت به شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود بود. تمرکز بر دیدگاه‌های مفهومی و کاربردی آنان درباره اطلاعات مرتبط با این داراییها، به‌ویژه در خصوص مطلوبیت افشا برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران صورت گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران نگرشهای متفاوتی درباره نحوه ارائه اطلاعات مربوط به داراییهای نامشهود دارند.

یکی از محورهای اصلی بحث، تمایز بین دو رویکرد است: (۱) ارائه اطلاعات از طریق شناخت و اندازه‌گیری رسمی در صورتهای مالی، و (۲) افشای اطلاعات در یادداشتهای توضیحی. این مسئله به‌ویژه درباره داراییهای نامشهود ایجاد شده در داخل واحد تجاری صادق است؛ چراکه به‌جز استثنائاتی همچون برخی هزینه‌های توسعه، این داراییها به‌طور معمول به دلیل عدم قابلیت اتکای اندازه‌گیری یا نبود مبادله بازار، در ترازنامه شناسایی نمی‌شوند.

طبق بند ۵۱ استاندارد AASB 138، دو عامل کلیدی مانع از شناخت این داراییها هستند:

- دشواری در شناسایی زمان و ماهیت ایجاد دارایی‌ای که منافع آتی به همراه دارد.
- عدم امکان تعیین بهای تمام‌شده به شکل قابل‌اتکا، به‌ویژه زمانی که هزینه‌ها با عملیات جاری یا ارتقای سرقفلی درهم آمیخته‌اند.

با وجود این، چارچوب مفهومی گزارشگری مالی تاکید می‌کند که برآوردهای معقول، در صورت شفافیت و دقت، می‌تواند اطلاعات سودمندی فراهم کند (بند ۵۰، ۱۹).

چالشهای فراتر از استانداردهای موجود

داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها چندین چالش کلیدی را در خصوص شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود مطرح می‌کند:

- چالش ۱: نیاز به ارزیابی گسترده‌تر از ترازنامه "اگر بخواهید به‌واقع چشم‌انداز یک کسب‌وکار را درک کنید، صورت وضعیت مالی کافی نیست. به تحلیلهای نسبی و

تعامل با رقبا نیاز است." (سرمایه‌گذار ۱)

- چالش ۲: تفاوت اهمیت داراییهای نامشهود در انواع واحدهای تجاری

"در بیشتر موارد، داراییهای نامشهود نقش حیاتی در تصمیم‌گیریهای ما ندارند." (سرمایه‌گذار ۳)

- چالش ۳: نقش افشا در غیاب شناخت رسمی "اندازه‌گیری این داراییها بیشتر ادراکی است تا کمی. در نتیجه، یادداشتهای توضیحی می‌تواند مفیدتر باشد." (سرمایه‌گذار ۴)

- چالش ۴: نگرانی از افشای اطلاعات حساس "کسب‌وکارها نمی‌خواهند جزئیات مربوط به فرصتها یا نوآوریها را منتشر کنند؛ چراکه ممکن است مزیت رقابتی خود را از دست بدهند." (سرمایه‌گذار ۹)

استدلالات پشتیبان برای گزارشگری داراییهای نامشهود

برخی از استدلالها برای غلبه بر چالشهای بالا عبارت‌اند از:

- الف) صورتهای مالی مکمل سایر منابع اطلاعاتی هستند.

شناخت رسمی داراییهای نامشهود می‌تواند ارزیابیهای کیفی سرمایه‌گذاران را اعتبار ببخشد.

"باید ببینیم چه وزنی برای صورتهای مالی قایل می‌شویم." (سرمایه‌گذار ۲)

- ب) تنوع در اهمیت داراییهای نامشهود دلیل عدم‌شناسایی نیست.

وجود یک استاندارد جامع با دامنه مناسب ضروری است. "برندها اغلب تاثیر بیشتری از داراییهای مالی سنتی دارند." (سرمایه‌گذار ۳)

- ج) افشا و شفافیت فرضها، جایگزین مناسبی برای شناخت رسمی نیست، بلکه مکمل آن است.

"فکر نمی‌کنم عدم‌قطعیت دلیلی برای حذف ارقام باشد." (سرمایه‌گذار ۱)

- د) هزینه‌های اختصاصی افشا در صورت تجمیع مناسب، قابل‌کنترل است.

"ارائه تجمیعی اطلاعات باعث نمی‌شود مزیت رقابتی به‌خطر بیفتد." (سرمایه‌گذار ۳)

مقایسه‌پذیری بهتر را درک می‌کنند:
 "امکان مقایسه ساده‌تر بین شرکتها فراهم می‌شود."
 (سرمایه‌گذار ۶)

نتیجه‌گیری

بیانیه اخیر IASB (۲۰۲۴) درباره مرور جامع داراییهای نامشهود اقدامی بسیار به‌موقع بود. شواهد فوق تاکید می‌کند که مرور مزبور باید به شناخت بهتر اقلام ترازنامه‌ای و پاسخ به چالشهای اندازه‌گیری داراییهای نامشهود بپردازد. این مسیر می‌تواند به ارتقای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و افزایش شفافیت بازار منجر شود.

دیدگاه سرمایه‌گذاران: گزارشگری مالی مرتبط با

پایداری

از زمان تاسیس هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB) در نوامبر ۲۰۲۱، تحولات جهانی در زمینه گزارشگری پایداری سرعت چشمگیری یافته است. این هیئت با هدف ایجاد یک مبنای جهانی برای گزارشگری پایداری تاسیس شد و در ژوئن ۲۰۲۳، با انتشار دو استاندارد کلیدی آغاز به کار کرد:

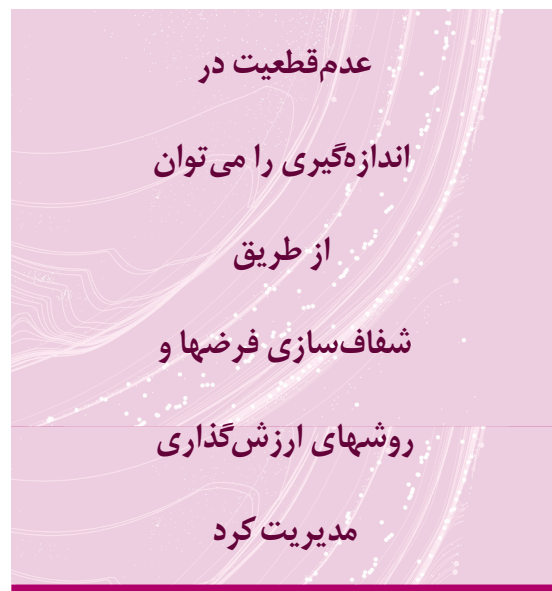
• IFRS S1: الزامهای عمومی برای افشای اطلاعات مالی مرتبط با پایداری

• IFRS S2: افشاهای مربوط به ریسکها و فرصتهای اقلیمی (آب‌وهوایی)

در همین راستا، دولت استرالیا نیز در دسامبر ۲۰۲۲ طی یک پیشنهاد مشورتی اعلام کرد که گزارشگری اقلیمی برای نهادهای استرالیایی اجباری خواهد شد. براساس برنامه‌ریزی، اجرای این الزامها به‌صورت مرحله‌ای از ژانویه ۲۰۲۵ آغاز و تا ژوئیه ۲۰۲۷ برای تمام واحدها لازم‌الاجرا خواهد شد.

در بیانیه‌ای از وزارت خزانه‌داری فدرال استرالیا در ژوئن ۲۰۲۳، تاکید شد که:

"دولت متعهد به افزایش شفافیت و پاسخگویی در زمینه برنامه‌های اقلیمی، ریسکهای مالی و فرصتهای مربوط است و در همین راستا، گزارشگری استاندارد و هماهنگ با چارچوبهای بین‌المللی را برای کسب‌وکارها الزامی می‌کند."



دیدگاه کلی: اهمیت اعتباربخشی و شفافیت فرضها

عدم قطعیت در اندازه‌گیری را می‌توان از طریق شفاف‌سازی فرضها و روشهای ارزش‌گذاری مدیریت کرد. شفافیت باید فراتر از کلی‌گویی بوده و به سرمایه‌گذار اجازه تحلیل معنادار بدهد. همچنین، جمع‌بندی مناسب اطلاعات می‌تواند به حفظ توازن بین افشا و حفظ مزیت رقابتی کمک کند.

پیامدهای سیاستگذاری

برای ارتقای مربوط بودن صورتهای مالی، لازم است استانداردی توسعه یابد که:

- به شناخت داراییهای نامشهود با دامنه‌ای مشخص بپردازد.
- از عدم تقارن اطلاعاتی بکاهد.
- ارزش‌گذاری ذهنی را از طریق شفافیت مدیریت کند.
- هزینه‌های اختصاصی را با سطح بالای جمع‌بندی اطلاعات کاهش دهد.

البته باید توجه داشت که همه سرمایه‌گذاران یکسان نیستند. برخی از سرمایه‌گذاران خرد ممکن است در تفسیر داراییهای نامشهود دچار سوء برداشت شوند:

"افزودن یک دارایی نامشهود ممکن است گمراه‌کننده باشد."
 (سرمایه‌گذار ۳)

اما در عین حال، همین سرمایه‌گذاران نیز پتانسیل

به تقریب غیرممکن است.“ (سرمایه‌گذار ۸)

(ب) مشکل در قابلیت مقایسه

سرمایه‌گذاران تاکید کردند که فقدان معیارهای هماهنگ، تحلیل گزارشهای اقلیمی را دشوار می‌کند: “برای مثال، یک شرکت کاهش انتشار کربن را گزارش می‌دهد اما من به عنوان یک شهروند استرالیایی و از دیدگاه صنعت، نمی‌دانم که این چه معنایی دارد. . . آیا آن‌ها پیشرو هستند یا عقب‌مانده؟“ (سرمایه‌گذار ۶)

(ج) خطر ایجاد ابهام و اختلال اطلاعاتی

برخی گزارشهای اقلیمی به جای روشنگری، ممکن است باعث سردرگمی شوند و تمرکز را از عملکرد مالی واقعی منحرف کنند:

“این فقط نوعی ویتترین سازی برای جلب رضایت سرمایه‌گذاران نهادی است. . . اما در عمل، بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد برداشت روشنی ندارند. این بیشتر یک واکنش به روند بازار است تا محتوایی واقعی.“ (سرمایه‌گذار ۵)

همچنین، استفاده بیش از حد از نمودارها و تصاویر گرافیکی می‌تواند باعث کاهش تمرکز روی محتوای تحلیلی شود: “گاهی تحت تاثیر نمودارها قرار می‌گیرم، اما این‌ها می‌توانند باعث اختلال اطلاعاتی شوند و پیام اصلی گزارش را کمرنگ کنند.“ (همان)

نتیجه‌گیری

با توسعه استانداردهای بین‌المللی پایداری و اقدامهای سیاست‌گذاران، گزارشگری اقلیمی به سرعت در حال تبدیل شدن به بخشی جدایی‌ناپذیر از افشای مالی است. با این حال، همچنان چالشهایی در زمینه کنترل پذیری، کمی سازی، مقایسه پذیری و درک واقعی آثار مالی این گزارشها وجود دارد. نقش کلیدی سیاست‌گذاران و استانداردها در این مرحله، فراهم کردن چارچوبهایی است که بتواند ضمن ایجاد شفافیت، از پیچیدگی و ابهام جلوگیری کند و به سرمایه‌گذاران کمک کند تا تصمیمهای خود را بر مبنای اطلاعات قابل اعتماد و مرتبط اتخاذ کنند.

همزمان با این تحولات، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) نیز در مارس ۲۰۲۳ پروژه‌ای در خصوص انعکاس ریسکهای اقلیمی در صورت‌های مالی را به دستور کار خود افزود. این روندها نشان می‌دهد که موضوع پایداری، به ویژه در قالب ریسکهای اقلیمی، به یکی از مولفه‌های مهم در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تبدیل شده است.

براساس گزارش بخش اول مطالعه، تمرکز ما بر ریسکهای اقلیمی از منظر ISSB، سیاستهای اقلیمی دولت استرالیا و پروژه جدید IASB در این زمینه قرار دارد. تمرکز اصلی بر پیوند بین گزارشگری مالی و گزارشگری پایداری است؛ چراکه این ارتباط یکی از پرسشهای محوری در طراحی چارچوبهای گزارشگری نوین محسوب می‌شود.

طبق بند ۲۱ استاندارد IFRS S1، افشاکندگان باید اطلاعاتی ارائه دهند که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بتوانند ارتباط بین ریسکها و فرصتهای پایداری با اطلاعات مالی را درک کنند (ISSB، 2023a؛ Barco & Faber، 2023). اما پرسش اصلی آن است که چگونه می‌توان این پیوند را در عمل برقرار کرد؟

چالشهای گزارشگری مالی در رابطه با ریسکهای اقلیمی

در گفتگو با سرمایه‌گذاران، چالشهای متعددی در خصوص انعکاس ریسکهای اقلیمی در صورت‌های مالی مطرح شد. این چالشها را می‌توان در سه دسته عمده خلاصه کرد:

(الف) محدودیتهای مدیریتی و کنترل پذیری پایین

برخی سرمایه‌گذاران نسبت به گنجانیدن ریسکهای اقلیمی در صورت‌های مالی بدبین هستند، زیرا این ریسکها تحت کنترل مستقیم مدیریت نیستند و تخمین پذیری آن‌ها دشوار است: “ترجیح نمی‌دهم این موارد در صورت‌های مالی بیابند. چون بخش زیادی از آن‌ها خارج از کنترل مدیریت است. . . عوامل خارجی زیادی دخیل اند و این می‌تواند مسئولیت پذیری مدیریت را زیر سوال ببرد.“ (سرمایه‌گذار ۳)

همچنین، در خصوص امکان کمی سازی معنادار این ریسکها تردیدهایی وجود دارد:

“ریسکهای اقلیمی را چطور می‌توان دقیق در حسابها منظور کرد؟. . . مگر در موارد مشخصی مثل سوختهای فسیلی،

(سرمایه‌گذار ۸)

ب) مشکل در قابلیت مقایسه گزارشها

سرمایه‌گذاران خواهان استانداردهای منسجم‌تری برای ارزیابی عملکرد اقلیمی بین شرکت‌های هم‌صنعت هستند: " . . . من بیشتر به تفاوت‌های بین یک شرکت معدنی و شرکت معدنی دیگر علاقه‌مند خواهم بود . . ." (سرمایه‌گذار ۸)
"اگر استاندارد یکنواختی وجود داشته باشد، بسیار مفید خواهد بود." (سرمایه‌گذار ۵)

ج) نگرانی درباره حساب‌آرایی زیست‌محیطی (Green-washing)

برخی سرمایه‌گذاران نسبت به استفاده نمایشی از اطلاعات اقلیمی بدون محتوای واقعی هشدار دادند و خواهان شفافیت بیشتر در فرضها و تحلیلهای سناریویی شدند:
"تحلیل سناریو روشی مناسب برای نشان دادن تغییرپذیری عوامل موثر بر نتایج است . . ." (سرمایه‌گذار ۲)

پاسخها و دیدگاه‌های نهایی

با وجود چالشها، سرمایه‌گذاران از ارائه اطلاعات اقلیمی، حتی اگر کمی‌سازی آن دشوار باشد، استقبال کردند؛ به‌ویژه اگر فرضها به‌طور شفاف افشا شوند. شفاف‌سازی فرضها می‌تواند به افزایش اعتماد و کاهش ریسک اطلاعات نادرست کمک کند:

"اگر بدانید فرضها چیستند، این می‌تواند اطمینان‌بخش باشد؛ حتی اگر عددی مبهم باشد." (سرمایه‌گذار ۶)

از سوی دیگر، انتظاری بالا برای توسعه استانداردهای قابل اتکا جهت مقایسه بین شرکتها وجود دارد. اما این نیاز باید با در نظر گرفتن ویژگیهای صنعت‌محور و کیفیت داده‌های بیرونی (مانند انتشار گازهای گلخانه‌ای در زنجیره تامین) اجرا شود.

در خصوص گنجاندن ریسکهای اقلیمی در صورتهای مالی، جماعی برای احتیاط وجود داشت. مگر در مواردی که معیارهای شناسایی (همچون قابلیت اتکا) برآورده شده باشند، این اطلاعات بهتر است در بخش گزارشهای پایداری مطرح شوند:
"اگر هزینه‌ها به‌واقع توسط شرکتها متحمل شود، به‌قطع خواهان دیدن آن هستیم . . . در غیر این صورت، شاید بهتر باشد به‌صورت غیرمالی افشا شود." (سرمایه‌گذار ۳)

افشای شفاف فرضها و

روشهای اندازه‌گیری

حتی در صورت ذهنی بودن

می‌تواند اعتماد

سرمایه‌گذاران را جلب کند

دیدگاه سرمایه‌گذاران درباره گزارشگری مالی مرتبط با پایداری

با تاسیس هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB) در سال ۲۰۲۱، توجه جهانی به گزارشگری پایداری شدت گرفت. استانداردهای IFRS S۱ و IFRS S۲ به‌عنوان نخستین گامهای رسمی در این حوزه معرفی شدند. دولت استرالیا نیز متعهد شده تا با اجرای مرحله‌ای این استانداردها از ژانویه ۲۰۲۵، چارچوبی الزام‌آور برای افشای اطلاعات اقلیمی در شرکتهای بزرگ فراهم کند.

چالشها از دید سرمایه‌گذاران

با مصاحبه‌هایی که با چندین سرمایه‌گذار صورت گرفت، سه چالش اصلی در تلفیق ریسک اقلیمی در گزارشگری مالی شناسایی شد:

الف) عدم کنترل‌پذیری ریسکهای اقلیمی و ابهام در ارتباط آن با عملکرد مالی

برخی سرمایه‌گذاران معتقد بودند ریسکهای اقلیمی به‌سختی قابل کنترل و اندازه‌گیری‌اند و گنجاندن آنها در صورتهای مالی ممکن است موجب ایجاد ابهام شود:
"من معتقد نیستم که صورتهای مالی باید به مرکز برآورد هر چیزی تبدیل شوند . . ." (سرمایه‌گذار ۳)

"کمی‌سازی دقیق ریسک اقلیمی غیرممکن است . . ."

ارائه شود، اما ارتباط بین تحلیل سناریوها و اقلام گزارش شده در ترازنامه باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. در زمینه سیاست‌گذاری، یافته‌ها از تدوین استانداردهای جداگانه برای گزارشگری پایداری حمایت می‌کند، اما نیاز به هماهنگی روشن میان آن‌ها و گزارشگری مالی را برجسته می‌سازد. مفهوم اهمیت (materiality) در این زمینه بسیار کلیدی است اما اغلب نادرست درک می‌شود. ارزیابی اهمیت باید ترکیبی از پیامدهای مالی و اطلاعات کیفی درباره ریسکها باشد.

همچنین، یافته‌ها به ناهمگونی دیدگاه سرمایه‌گذاران اشاره دارند؛ برخی تحلیل‌گران فقط بر تحلیلهای کمی بازار تمرکز دارند و برخی دیگر افقهای بلندمدت و استراتژیهای کنترل عدم قطعیت اندازه‌گیری را اتخاذ کرده‌اند. حتی سرمایه‌گذارانی که از صورتهای مالی استفاده عملی نمی‌کنند، خواهان گزارشگری مالی جامع هستند زیرا آن را ابزاری برای افزایش شفافیت و فرصتهای معامله می‌دانند.

در پایان، مقاله تاکید می‌کند که عدم قطعیت نباید مانعی برای گزارشگری باشد. افشای شفاف فرضها و روشهای اندازه‌گیری، حتی در صورت ذهنی بودن، می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند. پژوهشهای آینده باید نحوه تفسیر و درک سرمایه‌گذاران از این افشاها را بررسی کنند. سیاست‌گذاران نیز باید به‌طور ویژه به مفهوم اهمیت، ارتقای قابلیت مقایسه، و ارتباط روشن میان گزارشگری مالی و پایداری توجه کنند تا کیفیت و کارایی این نظامها افزایش یابد.



پانوشتها:

- ۱- بند ب ۳۸- استاندارد ۱۷ داراییهای نامشهود ایران
- ۲- بند ۳۸ استاندارد حسابداری ۱۷ داراییهای نامشهود ایران
- ۳- معادل بند ۴-۴۱ پیوست استانداردهای حسابداری ایران مفاهیم نظری گزارشگری مالی

منبع:

- CPA Australia, 2022. The Horizons of Financial Reporting – Part 1
<https://www.cpaaustralia.com.au/-/media/project/cpa/corporate/documents/tools-and-resources/financial-reporting/reporting-research-initiatives/horizons-of-financial-reporting-part-1.pdf>

جمع‌بندی بخش دوم

تحلیل سناریو و افشای شفاف فرضهای اساسی می‌تواند در کاهش ریسک ظاهرسازی زیست‌محیطی موثر باشد. در عین حال، توسعه استانداردهای گزارشگری پایداری با هدف افزایش قابلیت مقایسه، شفافیت و پاسخ‌گویی، نقش مهمی در شکل‌گیری آینده گزارشگری مالی اقلیمی ایفا خواهد کرد.

خلاصه تحلیلی مقاله: دیدگاه سرمایه‌گذاران در خصوص گزارشگری ریسکهای اقلیمی و پیامدهای سیاست‌گذاری

تحقیق انجام‌شده نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران هنوز گزارشگری ریسکهای اقلیمی را برای شناسایی و اندازه‌گیری در سطح صورتهای مالی عمومی مناسب نمی‌دانند و بیشتر تجربه محدودی با افشاهای داوطلبانه و غیراستاندارد دارند. این وضعیت موجب شده که درک روشنی از شکل آینده گزارشگری اقلیمی نزد سرمایه‌گذاران وجود نداشته باشد.

با این حال، سرمایه‌گذاران خواهان دریافت اطلاعات مرتبط با تغییرها اقلیمی حتی با وجود برآوردهای نامشخص هستند. آن‌ها بر شفافیت فرضها و زمینه‌سازی مناسب اطلاعات کمی و کیفی تاکید دارند. چالشهایی نظیر تهدید به دعاوی حقوقی به دلیل اطلاعات نادرست وجود دارد، اما این موضوع به‌الزام از ارزش‌گذاری اطلاعات اقلیمی نمی‌کاهد، به‌ویژه اگر فرضها و حدود عدم قطعیت به‌وضوح افشا شوند.

در رابطه با استانداردسازی، سرمایه‌گذاران خواهان رویه‌های قابل مقایسه‌اند؛ به‌ویژه برای داده‌های اقلیمی. با این حال، وجود انبوهی از معیارهای بین‌صنعتی و خاص صنعت می‌تواند قابلیت مقایسه را تضعیف کند. همچنین کیفیت داده‌های اقلیمی که اغلب از منابع بیرونی تامین می‌شود (مانند انتشار مرحله سوم زنجیره تامین)، نگرانیهایی درباره اتکالپذیری ایجاد کرده است.

مسائل مربوط به "حساب‌آرایی سبز" (greenwashing) نیز به دلیل نوپایی حوزه گزارشگری پایداری تشدید شده است. سرمایه‌گذاران بر اهمیت تحلیلهای روندی بلندمدت از سناریوهای اقلیمی و استفاده از تحلیل سناریوها برای درک ریسکها و آثار مالی تاکید دارند. اگرچه در حال حاضر سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند اطلاعات اقلیمی در گزارشهای پایداری (جدا از صورتهای مالی)